

سردبیر: فواد عبداللهی foadsjk@gmail.com
دبیر سازمان: جمال کمانگر jamalkamangar@yahoo.com

چهارشنبه ها منتشر می شود! ۲۰ آذر ۱۳۸۵ - 21 DEC 05

www.javanx.com

جوانان حکمتیست ۶۹



ما باید رهبری را
تثبیت کنیم!



متن پیاده شده گفتگوی تلویزیون
پرتو با جمال کمانگر

مصطفی اسدیپور: ۱۶ آذر امسال در
اطلاعیه ای که از سازمان جوانان
حکمتیست منتشر گشته نوشته شده است
که "۱۶ آذر ۸۴ را باید به خاطر سپرد!"
چه جنبه هایی از آن هست که به نظر
شما اهمیت دارد؟ ←

از این سایت ها
دیدن کنید:

www.javanx.com
www.hekmatist.com
www.oktoberr.com
www.rahai-zan.com
www.iran-tribune.com
www.pasox.org

تهران و

فدرالیسم!

بهرام صالحی ص ۲

برای حفظ امنیت و
آزادی خودتان به ما
پیوندید!

روژان احمدزاده ص ۴

پیام نشست دوم شورای
کادرهای تشکیلات کمیته

کردستان حزب ص ۴

روز پاسداشت آزادی و گرامیداشت برابری!



بیانیه دانشجویان دانشگاه
فردوسی مشهد بمناسبت ۱۶ آذر!

۳- هیچ انسانی نباید به واسطه ابراز
عقیده یا فعالیت سیاسی از زندگی
اجتماعی محروم شود، تمام زندانیان
سیاسی و عقیدتی باید آزاد شوند.

۴- رکن اصلی تحمیل فقر و استثمار بر
جامعه موقعیت تکان دهنده طبقه کارگر و
فقدان ابتدائی ترین حقوق آنها است. ما
ضمن حمایت از مبارزه کارگران علیه
اخراج و بیکار سازی، ضمن حمایت از
مبارزه همه بخش های طبقه کارگر از
کارگران بیکار تا کارگران شرکت واحد و
ایران خودرو و نساجی ها برای ایجاد
سنجری در دفاع از معیشت شریف ترین
انسانهای این جامعه خواستار به رسمیت
شناسی فوری بیمه بیکاری مکفی برای
همه انسانهای بالای ۱۶ سال هستیم.

۵- ما از خواسته های کارگران و آزادی
تشکلهای کارگری حمایت می کنیم و
خواهان آزادی کارگران سقز که اخیرا در
دادگاه محکوم به زندان شده اند می
باشیم، این احکام نباید در مورد کارگران
شهر سقز اجرا شود.

لازم به ذکر است که روز چهارشنبه ۱۶
آذر، مراسم دیگری با عنوان "علل رخوت
دانشجویان" در دانشکده ادبیات دانشگاه
فردوسی برگزار گردید که به دلیل حذف
تریبون آزاد از برنامه های این مراسم، با
اعتراض مداوم دانشجویان روبرو شده و
تا پایان برنامه جو ملتهبی بر سالن حاکم
محکوم است، ما خواهان لغو آن هستیم.

۱۶ آذر روز پاسداشت آزادی و
گرامیداشت برابری است. ۱۶ آذر به همین
اعتبار تنها روز دانشجو نیست و تاکنون
نیز چنین نبوده است.

در این روز با فریادی رسا اعلام می داریم
انسان ها باید آزاد باشند و ایجاد شکاف
و اختلاف و دشمنی میان آن ها با اتکا به
تقسیم بندیهای نژادی، جنسی و طبقاتی
را محکوم می کنیم. باید جهان را تغییر داد.
باید جهانی آزاد و برابر که شایسته
انسان امروزی است را بنا نهاد.

۱۶ آذر روز بازگشت ما به آرمان انسان
آزاد و برابر و تلاش برای تحقق جامعه
ای انسانی، برابر و فارغ از تمام قید و
بندهای تحمیل شده به مردم است.
برداشتن قدم در این راه بدون تحقق
فوری و بی اما و اگر خواستهای زیر ممکن
نیست.

ما دانشجویان خواهان انجام فوری و
بدون اما و اگر این خواست ها هستیم:
۱- آزادی بی قید و شرط تشکل، بیان و
عقیده باید به رسمیت شناخته شود و
هیچ کس با هیچ بهانه ای حق محدود
کردن آن را ندارد.

۲- تبعیض و جداسازی بر اساس جنسیت
محکوم است، ما خواهان لغو آن هستیم.

چپ در دانشگاه محکم
و هوشیار است.



امید خدابخشی

امسال ۲۰ آذر
چپها نشان دادند
که قابل اعتماد
هستند، این اولین

باری نبود که دانشجویان چپ با
هوشیاری کامل شعارهایشان را به
میدان آوردند، خواستهای واقعی مردم
را نمایندگی کردند و به صحنه
سیاست آوردند، جنبش سرنگونی را
با خود به جلو کشیدند و جان تازه ای
بخشیدند و مهم تر اینکه روز بیاد
ماندنی را رقم زدند.

برای کسانی که از هر اعتراضی بوی
انقلاب سرخ به مشامشان میرسد ۱۶
آذر امسال خیلی زجر آور بود و
حسابی دمقشان کرده بود، آهی
کشیدند و گفتند امسال هیچی نشد.

اما برای فعالین پا بر زمین ←



زنده باد آزادی! زنده باد برابری!



را نشان می دهد! هرکس که به سیاست در ایران علاقمند باشد و نگاه بکند میبیند که در این روز مشخص سیاستهایی به شدت انسانی، برابری طلبانه و آزادیخواهانه دارد به پرچم اعتراض مردم تبدیل می شود. البته این هنوز ابتدای کار است و ما در کمین کارهای بزرگتر و مهم تری هستیم! به همت جوانان مبارز و دانشجویان آزادیخواه و چپ و رادیکال ما این را تضمین می کنیم.

دومین شاخصی که برای ما مهم بوده رهبری است. مبارزات دانشجویی باید بتواند رهبرانی را بعد از پایان دوخرداد با پلاتفرم چپ بعنوان سخنگویان واقعی دانشجویان و مردم جلو صحنه بگذارد. حرکتی که در ۱۶ آذر شروع شده است. باید این رهبری را تثبیت کنیم. رهبرانی که صاحب جامعه هستند و اعتراضات مردم را نمایندگی می کنند.

دانشگاه نیز مثل جامعه تمام گرایشات مختلف در در آنجا یافت می شود. از فدرالیستهای قومی گرفته تا راست افراطی تا جریانات ملی-مذهبی هستند و آلترناتیو خودشان را تبلیغ می کنند. بنظر من این بیانیه میتواند نقطه آغازی برای حرکتی بعدی و دخالت گری بیشتر برای کمونیستهای که صاحب جامعه هستند، باشد و رهبرانی که جامعه نقطه رجوع و مد نظرشان است.

اینجا نکاتی است رو به آینده که ما روی آنها کار می کنیم. دوستان ما و کسانی که در دانشگاهها هستند به این نکات توجه خواهند داشت.

ما باید رهبری را تثبیت کنیم!

دانشجویی و حقوق مردم“ این یکی از بیانیه های بسیار پر شور فضای سیاسی ایران است اما اجازه دهید یک سؤال دیگر را مطرح کنم، چپ را داریم، این کشمکش را داریم این ابراز وجود را داریم این قطعنامه را داریم این فعالین را داریم و این فضا را نیز داریم فکر میکنید در ادامه ۱۶ آذر محیطهای دانشجویی بعنوان یکی از محیطهای پر تحرک و موثر سیاسی ایران چه چیزی در پیش رو دارد. چه چشم انداز و انتظاراتی در مقابل آنها قرار دارد؟

جمال کمانگر: ببینید برای ما بعنوان جوانان حکمتیست که به نحوی دست اندر کار مبارزه دانشجویی و جوانان هستیم، شاخصهایی مهم بوده است و مد نظر است که دنبال تحقق آن هستیم. بعد از شکست دوخرداد همه دارند نگاه می کنند که بر ویرانه های دوخرداد چه سیاستی عروج می کند! ما تلاش می کنیم که سیاستی چپ و انسانی که خواسته اکثریت مردم را در بر می گیرد عروج کند برای ما این اهمیت به سزایی دارد. پرچم اعتراضی که دانشجویان به مناسبت ۱۶ آذر بلند کرده اند و با آن بیانیه شان این

جمال کمانگر: نکاتی را من خیلی سریع اشاره می کنم که باید مد نظر داشت. ۱۶ آذر را باید به خاطر سپرد نه تنها به دلیل اینکه فقط در دل اختناق که بعد از انتخاب احمدی نژاد بر جامعه حکمفرما شده است دانشجویان توانستند که پرچم آزادیخواهی و برابری طلبی را بلند بکنند. نه به این دلیل که فقط پلاکاردهای سرخی بالا رفت نه به این دلیل که با آن بیانیه ای رادیکال که همه شاهد هستید و همه تان دیدید نه به دلیل اینکه بر دهان اپوزسیون راست کوبید و به فدرالیسم قومی جواب رد داد. البته اینها همه ارزشمند است و باید به همه شان گفت: خسته نباشید و دست تان درد نکند.

اما یک اتفاق مهمی دیگری افتاده است! امسال بعد از طی سالهای که حکومت اسلامی سر کار بوده است چپ در دانشگاه توانسته است که مستقل جلو بیاید و فراخوانی بدهد و رهبرانی را در جلو جامعه قرار بدهد. چپ فراخوانی بدون مجوز داده بود بدون اینکه هیچ کدام از انجمن های وابسته به جمهوری اسلامی از تحکیم وحدت گرفته تا سایر جریانات دیگر مثل طبرزدی و اینها وجود داشته باشند.

چپ اینبار خودش به مثابه چپ در مقابل جامعه قد علم کرد در دانشگاه رهبرانش را جلو جامعه قرار داد. و توانست با این حرکت همانطور که ما در نشریه جوانان حکمتیست گفتیم یک “حماسه” بیافریند. حماسه ای که بنظرم باید به خاطر سپرد و اگر نگاهی به بیانیه شان در دانشگاه تهران و فردوسی مشهد ببینیم، میبینیم که فریاد مردم را آنها فرموله کرده اند. همان طور که گفتیم جواب رد به فدرالیسم قومی، در دفاع از آزادی و برابری، در دفاع از آزادی بی قید و شرط بیان و عقیده، در دفاع از کارگرانی که در سقز حکم ناعادلانه گرفته اند و اگر تمام اینها را کنار هم بگذاریم باید به خاطر سپرد و به عنوان یک حماسه از آن یاد کرد!

مصطفی اسدپور: شما به جنبه هایی از بیانیه اشاره کردید. واقعا جنبه های پر شوری دارد. برابری حق زن و مرد، آزادی تشکل برای کارگران، آزادی بیان و عقیده برای همه مردم، آزادی همه زندانیان سیاسی، هویت انسانی علیه فدرالیسم و جنبه های متعدد زیادی در آن دیده می شود. تشکلهای مستقل دانشجویی و حقوق

جنبش دانشجویی و رهبران آینده اعتراضات مردمی در ایران ۲۰ آذر روزی بود که مستقل و حساب شده و با درایت، یکبار دیگر تمام تلاشهای رژیم را ناکام گذاشتند. قصد من نوشتن در مورد شعارها و قطعنامه آزادیخواهانه، چپ و مدرن بچه های دانشگاه تهران نیست که البته باید نوشت و تقدیر کرد. میخوامم کاردانی، شجاعت و عقلانی بودن و کارساز بودن حرکت ۲۰ آذر را یادآور شوم.

امسال شرایط خاصی بر فضای سیاسی دانشگاه ها و کلا جامعه حاکم است از یک سو روی کار آمدن احمدی نژاد را داشتیم که به معنی اختناق و سرکوب شدید در مقابل هر اعتراضی است و مردم منتظر بودند ببینند این جو شکستی است یا نه، جامعه تشنه اعتراض بود و رژیم آماده تعرض. از سوی دیگر بعد از شکست دوم خرداد بحث بر سر اینست که چه کسانی با چه دیدگاهی سر نخ اعتراضات، بخصوص اعتراضات دانشجویی را در دست بگیرند. در کنار اینها ایران به “یمن حماقتهای رئیس جمهورش” تحت فشارهای بین المللی است و نیروهای مرتجع دست راستی اعم ناسیونالیستها و فدرالیستها در تلاش اند تا سناریوی عراقیزه کردن ایران را به اجرا درآورند و از این راه به منافعشان برسند.

تنها اتفاقی که میتواند بیافتد و روحیه اعتراضی جامعه را بالا ببرد و بدون درگیر شدن و حتی بدون یک بازداشتی دادن قدرت رهبری چپ را در دانشگاه و به تبع آن در بین مردم بالا ببرد و تثبیت کند، همین چیزی بود که ۲۰ آذر رخ داد.

وقتی از این زاویه به تظاهرات و شعارها و قطعنامه امسال نگاه کنیم عمق عقلانیت و هوشیاری و قابل اتکا بودن چپها و کمونیستها برای مردم به خوبی عیان است.



نه قومی، نه مذهبی! زنده باد هویت انسانی!

تهران و فدرالیسم

بهرام صالحی

شهریست که مردم از گوشه گوشه کشور طی سالهای سال به اینجا مهاجرت کرده اند. به کار بردن کلمه قوم را جایز نمیدانم اما برای اینکه قومپرستان که تفکرشان از چهارچوب تقسیم بندی انسانها به قوم و قبیله فراتر نمیروند درک کنند که منظور چیست باید اینگونه گفت که از تمام اقوام ایرانی از جای جای کشور به تهران مهاجرت کرده اند. تا آنجا که امروز از جمعیت بیش از ۱۶ میلیون نفری ساکن در تهران اقلیتی کوچک که شمار آنها از ۵٪ جمعیت کل تجاوز نمیکند، تنها ساکنان بومی و قدیمی تهران هستند که از چند نسل گذشته در این شهر زندگی میکنند.

بلا استثنا از تمام اقوام و از تمام شهرهای کشور از گیلان در شمال از بندر عباس در جنوب از خراسان در شرق و از کردستان در غرب مردم گروه گروه به تهران آمده اند و این مهاجرت همچنان ادامه دارد و روزانه بیش از ۱۰۰۰ نفر به جمعیت این شهر افزوده میشود. در چنین شرایطی آیا تا امروز با مشکل اختلافات قومی مواجه بوده ایم؟ سال های سال است در این شهر زندگی کرده ایم، سالهای سال است روزنامه ها را هر روز ورق میزنیم، هرگز یک خبر یا گزارشی به

گوشمان نرسیده است که در گوشه ای از این شهر گروهی یا افرادی به سبب اختلافات قومی با هم درگیری یا جدلی داشته باشند، هرگز. در این شهر فساد و تباهی بسیار است. اما علت هیچ کدام از خشونت ها و درگیری ها ناشی از اختلافات قومی افراد نبوده است.

میتوانید هر کدام از محله های شهر را انتخاب کنید و آمار بگیرید. نتیجه این خواهد شد که اکثریت ۹۵ درصدی و شاید در جایی ۱۰۰٪ از ساکنین آن محل از مهاجرین و نسل اقوام غیر تهرانی هستند و می توانید سوال کنید که آیا شخصی تا به حال اختلافی با همسایه اش داشته است که سبب آن اختلاف قومی باشد یا خیر، بدون شک پاسخ منفی خواهد بود.

در درون خانواده ها نیز چنین است و مطمئنا اکثریت زوج ها هر کدام از قومی متفاوت هستند. بنابراین با ۱۵ میلیون انسان مواجه ایم که هر کدام از قومی متفاوت آمده اند، با هم ادغام شده اند و در کنار هم زندگی میکنند هیچ کجا نژاد و قومیت مبنای ارتباطات افراد نیست و در بسیاری موارد ملاحظه میشود که افراد وابستگی به پیشینه خود را فراموش کرده اند دیگر خود را نه کرد و

آذربایجانی یا بلوچ، بلکه یک شهروند ساکن تهران قلمداد میکنند. و این است حقیقت عینی موجود که با آن مواجه ایم و امروز ما با قوم پرستانی مواجه ایم که این حقیقت خوش آیند آنان نیست و در صدد بر هم زدن این اتحاد نیک و ایجاد تفرقه و دشمنی بر مبنای قومیت در بین مردم هستند، که اینان آگاهانه یا نا آگاهانه، دشمنان انسانیت و مردم جامعه ایرانند.

می خواهند بین انسانها جدایی و دشمنی اندازند، می خواهند به هر فرد شناسنامه

ای با رنگ متفاوت و برچسب قومیت بدهند، می خواهند بر مبنای قومیت مردم را با مرز بندی فدرالیسم از هم جدا کنند. حاصل چه خواهد بود؟ جز ایجاد تفرقه و دشمنی و جنگ های داخلی و قومی بر سر مرزبندی فدرالیسم، هیچ نخواهد بود.

با تهران چه خواهند کرد؟ نام این ایالت را چه خواهند گذاشت؟ مگر قرار نیست نام قوم و قبیله بر هر ایالت زینده باشد؟ نام تهران؟ نسل تهرانی ها که اقلیت ناچیزی

بیش نیستند؟ باز شمار شهروندانی که از آذر بایجان آمده اند در تهران بیشتر است؟ نام آذر بایجان ؟ شمار شهروندانی که از شمال کشور آمده اند نیز بسیار است؟ نام گیلان ؟ یا نام مازندران؟ پس جنوبی ها چه؟ پس اصفهانی ها چه ؟ کدام قوم اکثریت هستند تا نام آن را برای ایالت تهران انتخاب کنید ؟ ادغام اقوام مختلف تا حدیست که برای آمار گیری برای تعیین شمار قومیت ها و جمعیت آنها نیز عاجز خواهید ماند. و شاید محاسبات شما اینگونه نیست و قصد دارید شهروندان تهرانی را مبنی به قومیت آنها از این شهر اخراج کنید و به ایالت فدرال خودشان در کنار قوم خودشان بفرستید! راه حل سومی هم پیش پا دارید، که این میتواند باشد که بعد از این که شناسنامه های رنگتاک قومی قبیله ای را بین مردم توزیع کردید، دور خانه و محل زندگی هر فرد را مبنای قومیتشان خط و مرز بکشید و نام ایالت فدرال آن قوم را بر آن تعیین کنید!!! پاسخ دهید آن زمان با زوجی که هر کدام از قومی متفاوتند چه خواهید کرد بینشان خط و مرز میکشید!!!

شعار فدرالیسم داغ ننگیست که بر پیشانی دارید و مردم ایران دشمنان خود را اینگونه به راحتی خواهند شناخت. دشمنانی که خواب سناریو سیاه و جنگ داخلی و قومی قبیله ای را برای این جامعه میبینند. فدرالیسم خواست حتی اقلیتی کوچک از مردم ایران هم نیست، مردم ایران باید آگاه تر از آن باشند و دشمنان خود را بشناسند، همانگونه که طرح رفراندوم با بی اعتنایی مردم مواجه شد تا آنجا که سایت ۶۰ میلیون که قرار بود گویا ۶۰ میلیون مردم ایران زیر بیانیه ای را مبنی بر خواست رفراندوم امضا کنند، تعطیل شد! و این طرح شکست خورد. چند هزار نفر بیشتر این بیانیه را امضا نکردند که همین آمار هم شک برانگیز است زیرا امکان تقلب در آمار های اینترنتی بسیار است، حال سر شکستگان بعد از شکست طرح رفراندوم پرچم فدرالیسم را بلند کرده اند که این بار نیز در مدت زمانی کوتاه از مردم ایران پاسخ کوبنده ای خواهند گرفت.

احزاب و سازمانهایی که داغ ننگین فدرالیسم خواهی را بر پیشانی دارند با جمله های به ظاهر زیبا در بیانیه هایشان صحبت از برابری خواهی برای تمام اقوام ایرانی میکنند. اما ارتجاع در پس این ظاهر فریبکارانه برابری طلبانه خواب سناریو سیاه و جنگ داخلی و قومی را میبیند.

هرگز گفته نمیشود برابری انسانها بر مبنای شهروند بلکه می گویند برابری بین اقوام و ملت ها. این حکم قومیت و در کنارش مطمئنا مذهب را پیش فرض هویت و تقسیم بندی انسانها قرار داده است، معلوم نیست انسانهای آزاده ای که هویت انسانی خود را با قومیت و ملیت تعریف نمیکند در کجای این قانون در ظاهر برابری طلبانه به حساب آمده اند. این یعنی گامها عقب تر از جمهوری اسلامی و شرایط امروزی حاکم بر ایران، یعنی ارتجاع.

شمار آن قوم پرستانی که فدرالیسم را می خواهند خواست تمام مردم ایران جا بزنند معدود است و تنها هستند. مردم ایران فدرالیسم، نمی خواهند، شناسنامه قومی نمیخواهند، مرزبندی قومی نمیخواهند، نفاق و دشمنی نمی خواهند، یوگوسلاوی و ساریو و الجزایر و عراق نمی خواهند، آزادی و برابری می خواهند. مشکل مردم ایران قومیت نیست، تهران مثال گویا و شفافیتست که عینا میتوان دید که مردم ایران از هر شهر و قومیتی که باشند میتوانند در مقیاس ملیونی در کنار هم همزیستی داشته باشند. تنها تهران نیست بلکه در بسیاری از شهرهای بزرگ کشور نیز چنین شرایطی را میتوان ملاحظه کرد، نظیر شیراز، اصفهان و

آزادی و برابری شعار ماست، حزب ما در فرآی رسیدن به قدرت حقوق برابر هر انسان را از هر شهر و قوم و مذهب و ا حتی از هر کشور دیگری که باشند در سرتاسر کشور بر مبنای شهروند به رسمیت خواهد شناخت. باید در صف آزادیخواهی و برابری طلبی و در مقابله با قوم پرستانی که خواب سناریو سیاه را در ایران می بینند و مطمئنا دولتهای غربی نیز از آنان حمایت خواهند کرد، به زیر پرچم این حزب متحد شد، گارد آزادی در برابر این ارتجاعیون را باید تقویت کرد تا مردم مسلح برای دفاع از حقوقشان و ایستادن در مقابل قوم پرستان و فدرالیسم خواهانی را که شک نداریم مورد حمایت دول غربی هستند را در اختیار داشته باشیم.



مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



پیام نشست دوم شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب حکمتیست

مردم آزادیخواه!

تعهد میکنیم که کردستان را به سنگر کمونیسم و انقلاب آتی در ایران تبدیل کنیم. به ما بپیوندید، حزب خود، حزب حکمتیست را تقویت کنید. گارد آزادی را تقویت و حمایت کنید. واحدهای گارد آزادی را تشکیل دهید.

مردم آزادیخواه را فرامیخواند که واحدهای آن را در شهرها، محلات و روستاها، در محیط زیست خود، ایجاد کنند.

مردم آزادیخواه، کارگران، زنان، جوانان! شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب حکمتیست، متشکل از طیف وسیعی از رهبران و کادرهای سه دهه مبارزه انقلابی علیه ستم و سرمایه و جمهوری اسلامی، متشکل از نسل جوان فعالین کمونیست و متشکل از سازماندهندگان مبارزات توده ای و نظامی بزرگ جزو لاینفک هدایت مبارزه انقلابی برای به زیر کشیدن جمهوری اسلامی و بخش در هم تنیده جنبش اجتماعی برای تحقق آزادی و برابری است. کردستان دروازه قدرت کمونیسم و چپ در ایران است. ما

جدی مدنیت جامعه و آزادی و امنیت مردم را تهدید میکنند.

ما و مردم سرنگونی طلب نه تنها موظفیم که بساط جمهوری اسلامی را برچینیم بلکه همچنین موظفیم که نگذاریم مدنیت جامعه در روند سرنگونی رژیم از هم بپاشد. ما بخصوص نخواهیم گذاشت کردستان به جولانگاه نیروهای قوم پرست و میدان تفرقه و دشمنی و پاکسازی قومی تبدیل شود. گارد آزادی ابزار دفاع از امنیت و آزادی و زندگی مردم و حفظ مدنیت جامعه در مقابل نیروهای قوم پرست و گانگسترهای اسلامی و سناریوی سیاهی است. نشست دوم شورای کادرهای تشکیلات کردستان با تمام توان از سازماندهی و گسترش گارد آزادی پشتیبانی میکند و

اجتماع وسیع شورای کادرهای تشکیلات کردستان حزب حکمتیست در شرایطی برگزار شد که عزم و اراده ما و توده مردم برای خاتمه دادن به حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی بیش از هر زمانی محکم است. گام اول خاتمه دادن به فقر و فلاکت و استبداد بورژوازی و اسلامی در ایران و تحقق آزادی و برابری، سرنگونی جمهوری اسلامی است. این رژیم باید برود. این حکم را مردم ایران مدتها است داده اند. این کار باید هر چه فوری تر و سریعتر به انجام برسد. در پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی وجود دارودسته های اسلامی و تحرک دستجات قوم پرست با شعار فدرالیسم، بطور

برای حفظ امنیت و آزادی خودتان به ما بپیوندید!

روژان احمدزاده

اسلامی از یک آبشخور تغذیه می کند. ۲۶ سال است که اینها می کشند، می برند، سنگسار و قتل عام می کنند. با احمدی نژاد و بی احمدی نژاد این حکومت آدمکش ها بوده و هست. تابحال با قتل عام سرکار مانده اند و جز این راهی برای بقاء خود سراغ ندارند. کمتر ناظری است که اقدامات و سیاست اعلام شده این دوران جمهوری اسلامی را بمنظور ترساندن مردم مذبوحانه، از سر استیصال، تیر آخر ترکش و یا چاشنی یک انفجار اجتماعی توصیف نکند.

نه! اتفاقا سیاست ۲۶ سال پیش خیری برای رژیم اسلامی ندارد. کمکی به بقاء آن در این روزگار نمیکند. برعکس، آتش خشم بیکران دهها میلیون مردم کارد به استخوان رسیده را شعله ور تر میکنند. اوضاع بحرانی اقتصاد ایران، فلاکت و اختناق سیاسی و حاکمیت ارتجاعی اسلام کثیف بر حیات مدنی و فرهنگی مردم جایی برای تمکین مردم به حکومت باقی نگذاشته است. به حکم شرایط عینی اقتصادی و سیاسی مردم ایران دیگر قابل ترساندن و عقب کشیدن نیستند. هر عربده کشی و قمه چرخانی ای برای

از دور که اوضاع ایران را دنبال می کنید ظاهرا تبلیغات کرکننده خیل راست از پس مانده های دو خردادی دیروز، شخصیت های مرتجع کمونیست ستیز، تا سلطنت طلب ها از یکنوع بدبختی می نالند و آنها ریاست جمهوری احمدی نژاد است. گویا با سر کار آمدن ایشان جامعه به دوران ۲۶ سال پیش برگشته است. می گویند که ایشان برای احیای دوباره دستاوردهای رژیم در انقلاب ۵۷ سر کار آمده است. در بوق رو به جامعه فریاد می کشند که احمدی نژاد بی سواد است و آبروی ملت ایران را در سطح بین المللی برده است. می گویند که ایشان از همان اول خط امام بوده و جزو تروریستهای "معتبر" در سطح جهان به شمار می رود. از پوشش و ریخت و آب خوردن و خوابیدن این آقا عیب و ایراد می گیرند. این شد کل تحلیل ایوبزیسیون راست از سلطنت طلب تا حزب کمونیست کارگری. اینها هنوز خاتمی را بد و احمدی نژاد را بدتر می دانند. ۲۶ سال است که رژیم



لحظاتی شاید دور و بر را محتاط کند اما زود گذر و آنی است. روز گوشمالی این اوباش بسرعت و بسیار زودتر از آنچه خود تصور میکنند فرا میرسد. جامعه ایران اگر هنوز دست به حرکت اساسی خود برای سرنگونی رژیم نزنده است بخاطر این است که هنوز متحدانه زیر یک پرچم و آلترناتیو مشخص و علنی که مثل بدیل بجای رژیم اسلامی بنشینند، گرد نیامده است. هنوز رهبر واقعی خود را در سطحی گسترده نیافته است. هنوز شعار "آزادی و برابری" به یک شعار توده ای و وسیع همه جا در محلات و کارخانه ها و دانشگاه ها و ... بر سر زبانها نیافته است. هنوز مردم به سلاحی برای زدن رژیم اسلامی و همزمان بعد از آن برای دفاع از خود در برابر هجوم باندهای سیاه قومی و قبیله ای دست نیافته اند. برای امنیت و آزادی خودتان به حکمتیستها بپیوندید.

تغییر جهان و ایجاد دنیایی بهتر یک امید و آرمان همیشگی انسانها در طول تاریخ جامعه بشری بوده است. علیرغم رواج ایده های قدرگرایانه و خرافی اعم از مذهبی و غیر مذهبی حتی در دنیای بااصطلاح مدرن امروز، ایده هایی که هریک به نحوی علاج ناپذیری و مقدر بودن وضع موجود را تبلیغ میکنند، زندگی واقعی و عمل روزمره توده های وسیع مردم همواره حاکی از یک امید و باور عمیق به امکان پذیری و حتی اجتناب ناپذیری یک آینده بهتر است.

این امید که دنیای فردا میتواند از محرومیت ها و مشقات و کمبودها و زشتی های امروز رها باشد، این اعتقاد که عمل امروز انسان ها، چه جمعی و چه فردی، در تعیین چند و چون دنیای فردا موثر است، یک نگرش ریشه دار و قدرتمند در جامعه است که زندگی و حرکت توده های وسیع مردم را جهت میدهد.

تماس با ما

دبیر سازمان: جمال کمانگر
jamalkamangar@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۵۶۱۹

مدریس: فواد عبداللہی
foadsjk@gmail.com
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۹۰۸۰۹۱۴۲

معاون دبیر: نسیم رهنما
nasimrahnamadk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۵۲۲۸۲۴۵۵۴

بهرام مدرسه
bahramsjk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۴۰۲۰۱
فاکس: ۰۱۲۱۲۱۰۲۲۲۶۱۳

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!